

احیای انگاره‌های مهم هویتی در پرتو انقلاب اسلامی ایران

مریم زیبایی نژاد^۱

چکیده

با تشکیل نظام اسلامی و در دوران هشت سال دفاع مقدس، انگاره‌های هویتی جدیدی در روح ملت ایران دمیده شد که این انگاره‌های هویتی جدید می‌تواند به نسل‌های آینده منتقل گردد و پویایی و پیشرفت نظام اسلامی را تضمین نماید؛ با استناد به سوابق تاریخی و متون کهن می‌توان نشان داد که برخی از این انگاره‌های هویتی ریشه در گذشته ایرانیان دارد، بنابراین آثار به جای مانده و تأکید مورخان یونانی و ارمنی و آشوری، آریاییان، مردمانی سخت کوش، پرتاقت، بانضباط، شریف و درستکار بوده اند.

از مهم‌ترین هویت‌های احیا شده، در طول هشت سال دفاع مقدس می‌توان به آزادی، استقلال طلبی و مقاومت در برابر بیگانگان، خودباوری و خودآگاهی اشاره نمود، که این هویت‌های ارزشمند باید به نسل‌های آینده منتقل گردد.

یکی از روش‌های مؤثر در انتقال این هویت‌های ارزشمند به نسل‌های آینده بازسازی و ساخت موارث فرهنگی است که متناسب با مؤلفه‌های هویتی نامبرده باشند. در این مقاله، نگارنده ضمن ارائه تعریفی از هویت به انگاره‌های هویتی که در دوران انقلاب و مخصوصاً هشت سال دفاع مقدس شکل گرفته می‌پردازد تا مبنایی برای بازسازی و ساخت میراث فرهنگی برای آیندگان باشد.

۱ - استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی شیراز، گروه زبان و ادبیات فارسی
Zibaenejad.m@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۲۴

واژگان کلیدی

هویت، دفاع مقدس، میراث، بازسازی، انگاره‌های هویتی

مقدمه

مسئله هویت را می‌توان از دو منظر روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بررسی کرد. اولین کسانی که به مسئله هویت پرداختند، روان‌شناسان بودند. روان‌شناسان برای تعیین مراحل رشد ذهنی و شکل‌گیری مفهوم "خود" و جامعه‌شناسان به دلیل شرایط اجتماعی و ورود به یک دوره پیشرفته، از منظر فرد و اجتماع به این مسئله پرداخته‌اند.

هویت در اصطلاح جامعه‌شناختی، کوشش فرد به منظور تحقق یکتایی خویشتن است در شرایطی است که در حال شکل دادن به رفتار خود می‌باشد. به عبارت دیگر، هویت، داشتن تصویر روشنی از چگونگی بودن است که ریشه در گذشته دارد. همچنین می‌توان گفت هویت به طور ضمنی بیانگر این حقیقت است که هر پدیده از طریق بروز برخی صفات عینی و ذهنی، شباهت خود را با گروهی از اشیاء و تفاوتش را از گروه دیگر نشان می‌دهد. از این رو، هویت عامل شناسایی پدیده در ضمن داشتن دو مفهوم در تفاوت و شباهت، معرفی و تبیین می‌شود.

همانطور که در تعاریف فوق نیز مشاهده می‌شود، هویت به طور کلی دارای دو بعد فردی و بُعد جمعی است؛ هویت فردی یعنی همان چیزی که فرد را به واسطه ویژگی‌ها و خصوصیات یگانه و منحصر او، مورد شناسایی قرار می‌دهد و در عین حال از دیگران متمایز می‌سازد و هویت جمعی عبارت است از تعلق خاطر تعدادی از افراد به امور مشترک با عنوانی خاص، چنین تعلق موجب احساس همبستگی و شکل‌گیری یک واحد جمعی می‌شود که به عنوان "ما" از ماهای دیگر جدا می‌گردد (لقمان نیا، ۱۳۹۰: ۳۴). بارزترین فرق میان هویت فردی و هویت جمعی در این است که هویت فردی بر تفاوت و هویت جمعی بر شباهت تأکید دارد (جنکینز، ۱۳۸۱: ۴۵).

نظریه هویت اجتماعی نخستین بار در سال ۱۹۷۹م. توسط "هنری تاجفل" و "جان ترنر" مطرح شد. «هویت اجتماعی نوعی شناخت فرد یا گروه از خود در ارتباط و مقایسه با دیگران در اجتماع است که مشخص می‌کند فرد یا گروه به لحاظ اجتماعی، چه جایگاه و ویژگی‌هایی در مقایسه با دیگران دارد» (Turner, 1998 : 34). همچنین هویت اجتماعی، از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است و تابعی از فرهنگ آن جامعه به‌شمار می‌رود. «همچنین نظریه پردازان معتقدند که عضویت در گروه، منجر به تقویت شخصیت، هم ذات‌پنداری و شکل‌گیری طبقه‌بندی شخصی در انسان می‌شود

واز سویی هویت یک روند در حال شدن است که شناسنامه و عامل شناخته شدن می‌باشد» (امام جمعه، ۱۳۹۰: ۱۳۶۴).

از بین گروه‌های اجتماعی، دو دسته گروه اجتماعی وجود دارد که نسبت به سایر گروه‌های اجتماعی دارای اصالت هویتی عمیق‌تر، ابعاد گسترده‌تر و مؤلفه‌های هویتی مشخص‌تر و ایستاتری می‌باشند. این دو اجتماع عبارتند از اجتماع دینی (امت^۱) و اجتماع ملی (ملت). متناظر با هریک از این دو اجتماع، دو دسته هویت و در زیر مجموعه هریک از این دو دسته، مجموعه‌ای از انگاره‌های هویتی وجود دارد که در این مقاله، ضمن مشخص نمودن ارتباط هویت ملی و هویت دینی در نظام اسلامی با معرفی انگاره‌های هویتی نظام جمهوری اسلامی ایران، به موضوع انتقال این هویت‌ها به نسل‌های آینده و ملت‌های دیگر کشورها از طریق میراث فرهنگی می‌پردازد.

هم‌افزایی هویت ملی در ارتباط با هویت دینی

«اصطلاح هویت ملی از زمانی که واژه ملت (Nation) رواج پیدا کرد و مورد استفاده قرار گرفت» (ستاری، ۱۳۸۳: ۹۵). و به عنوان یک پدیده اجتماعی و سیاسی، مولود عصر مدرن اروپا است که از قرن هفده آغاز می‌شود. «این مفهوم اواخر قرن نوزدهم و مخصوصاً بعد از دو جنگ جهانی به کشورهای جهان سوم و تازه استقلال یافته راه پیدا کرده است» (اشرف ۱۳۷۲: ۸). هویت ملی یک مقوله از هویت‌های جمعی است که منابع سرزمینی را با عناصر قوی فرهنگی، اقتصادی، و حقوقی - سیاسی ترکیب می‌کند (Abela, 2005:12). در واقع هویت ملی به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی است. مهم‌ترین عناصر و نمادهای ملی که سبب شناسایی و تمایز می‌شوند عبارتند از سرزمین، دین و آیین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات و مردم و حکومت. در درون یک اجتماع ملی، میزان تعلق و وفاداری به هریک از عناصر و نمادهای مذکور، احساس هویت ملی آن‌ها را مشخص می‌سازد (جهانگیری، ۱۳۸۹: ۳۹). از دیدگاه برخی، هویت ملی، نظام روان شناختی پیچیده‌ای است که مؤلفه‌های عاطفی و شناختی گوناگونی در بر دارد. بعد شناختی هویت ملی شامل آگاهی فرد از عضویت خود در گروه ملی، باورهایی درباره ویژگی‌های نوعی اعضای گروه ملی و برون گروه‌های برجسته و همچنین شناخت علایم، آداب و رسوم، نمادها و سنت‌های ملی است و در بُعد عاطفی نیز احساس تعلق فرد به گروه ملی، وابستگی هیجانی به

۱ - (انَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون) (انبیاء: ۹۲)

میهن ملی، احساسات متمایز نسبت به اعضای گروه ملی در مقابل اعضای برون گروه‌ها و هیجان‌ات اجتماعی متنوع، نظیر غرور ملی، مدّ نظر قرار می‌گیرد (حسینی انجدانی، ۱۳۸۸: ۴۳). براساس تعریف فوق، هویت ملی می‌تواند ملیت یک گروه را با هم رقم بزند و آن‌ها را در یک مجموعه بزرگ با آرمانی مشترک قرار دهد.

از سویی از مهم‌ترین هویت‌های جمعی دیگر که می‌تواند بُعدی جهان شمول داشته باشد و گروه‌های وسیعی را بدون در نظر گرفتن مکان، زبان و ... به هم پیوند دهد، هویت دینی است که افراد را براساس ایمان، عقیده، فطرت و عمل به دستورات خداوند متحد می‌نماید و امتی بزرگ را تشکیل می‌دهد، لفظ امتّ واحده بارها در قرآن کریم برای اتحاد گروه‌هایی که از نظر دین و مذهب و عمل به اسلام و تابعیت خداوند متعال در یک مسیرند استفاده شده است. لذا ابعاد هویتی در یک اجتماع دینی برپایه اصول دینی شکل می‌گیرد. این اصول عبارتند از توحید، نبوت و معاد. «هریک از اجتماع‌های دینی برپایه جهت‌گیری نسبت به این سه اصل، مبانی هویتی خود رامشخص می‌کنند. از نظر برخی، امتّ نسبت به ملت دارای اصالت و اولویت است برای همین حفظ آن بر هر دین مداری واجب است» (کیانی، ۱۳۸۶: ۶۷).

به طور کلی، هویت‌های دینی و ملی، بسیاری از تحولات اجتماعی را شکل داده‌اند این تحولات، گاه به دلیل احساس فقر نسبت به بعضی از مؤلفه‌های هویتی شکل گرفته است و در نهایت برخی از مؤلفه‌های هویتی دیگر را نیز به همراه آورده است. به عنوان نمونه، آزادی خواهی، استبدادستیزی، استقلال طلبی و عدالت اقتصادی، از جمله انگاره‌های هویتی بودند که منجر به ایجاد انقلاب‌های متعددی در سده اخیر شده‌اند اما بعد از به ثمر نشستن این انقلاب‌ها، انگاره‌های هویتی دیگر نیز به تدریج شکل گرفتند.

برای نمونه یکی از تحولات اجتماعی مهمی که در قرن بیستم در منطقه خاورمیانه به وقوع پیوست، انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی ره بود که همانند دیگر تحولات اجتماعی به همراه خود انگاره‌های هویتی جدیدی را به ارمغان آورد. برخی از این هویت‌ها، هویت‌هایی بوده‌اند که به دلیل فضای استبداد و استعمار از طرف حاکمیت و ملت مورد غفلت واقع شده بودند ولی با شروع نهضت به تدریج توسعه یافتند و زمینه سرنگونی حکومت پهلوی و تشکیل نظام اسلامی را فراهم نمودند. به عنوان نمونه روح استبدادستیزی منجر به وقوع "انقلاب مشروطه" شد و یا انگاره استعمارستیزی و پیروی از رهبری در "تحریم تنباکو" بروز یافت. اما این انگاره‌ها به تدریج رنگ باختند و همچنان کشور مستبدانه اداره شد و وابستگی او به اجانب در عرصه‌های صنعتی، اقتصادی و

سیاسی ادامه یافت. یکی از تفاوت‌های انقلاب اسلامی با این تحولات این بود که تمامی این انگاره‌های هویتی، به رهبری امام خمینی رضی الله عنه، به صورت یک مجموعه یکپارچه کنار هم قرار گرفت، در روح مردم به صورت یک هویت یکپارچه نفوذ نمود و رمز پیروزی و تداوم انقلاب شد.

از این میان، مهم‌ترین انگاره‌های هویتی که در ایران باعث شکل‌گیری انقلاب شدند عبارت بودند از ۱- استبداد ستیزی ۲- دینمداری^۱ ۳- استعمار ستیزی ۴- استقلال طلبی ۵- آزادی خواهی همچنین با تشکیل نظام اسلامی و بعد از آن در دوران هشت سال دفاع مقدس، انگاره‌های هویتی جدیدی در روح ملت ایران دمیده شد. به عنوان نمونه انگاره مبارزه با استکبار و امپریالیسم جهانی بعد از پیروزی انقلاب و آشکار شدن دشمنی شرق و غرب با نظام اسلامی، در ایران شکل گرفت.

با استناد به سوابق تاریخی و متون کهن می‌توان نشان داد برخی از این انگاره‌های هویتی ریشه در گذشته هویتی ایرانیان دارد. «آریائی‌ان بنا بر آثار به جای مانده و تصریح و تأکید مورخان یونانی و ارمنی و آشوری، مردمانی بودند با این صفات؛ سخت کوشی و پر طاقتی، با انضباط، خلاق، شریف و درستکار» (صباغ پور، ۱۳۸۶: ۹۴). همچنین ایرانیان دارای ویژگی‌هایی چون علم طلبی، هنر دوستی، صلح طلبی، نیک خواهی و نیک دوستی، خیرخواهی و خیر طلبی، خلاقیت و نوآوری، استقلال طلبی (سلمانپور، ۱۳۸۶: ۱۴۶-۱۶۹)، عزت طلبی، عدالت طلبی، ایستادگی در برابر ستمگر، قهرمان طلبی و قهرمان دوستی، آزادگی جوانمردی و نجابت^۲ نیز بوده‌اند (صباغ پور، ۱۳۸۶: ۹۸-۱۰۲). در طول ادوار تاریخی، برخی از این ویژگی‌ها، بروز و ظهور جدیدی یافته‌اند. در حملات بیگانگان مانند حمله مغول به ایران، هویت بیگانه ستیزی در ایران تقویت شد. به عنوان مثال ظهور پدیده استعمار در جهان نیز استعمار ستیزی و بیگانه ستیزی را در میان ایرانیان نهادینه نمود و با ایجاد هریک از پدیده‌ها و تغییر و دگرگونی در نظام اجتماعی و سیاسی جهان و ایران، گونه‌های مختلف هویتی در ایران شکل گرفت

۱- شهید باهنر می‌گوید: "به نظر من ابتدا مردم ساخته شدند، با ایمان شدند، فکرشان عوض شد، رشد اخلاقی و فکری پیدا کردند، ارزش‌های فرهنگی جدید در جامعه به وجود آمد و بعد در میان این ملت ساخته شده به پا خاسته‌ای که منبع قدرت و هیجان از درون آن‌ها زبانه می‌کشید و شعله‌ور می‌شد، انقلاب به ثمر رسید (باهنر، ۱۳۸۷: ۷۷ و ۷۸).

۲- شاهنامه با ارائه تصویری آرمانی از ایران پیش از اسلام، نمادهای هویت اجتماعی بسیاری را زنده و پویا ساخته که پس از گذشت قرن‌ها در حافظه جمعی حفظ شده است. فردوسی با زبان گویا، ساده و حماسی خود، قوم ایرانی را در جامه رستم، شکست ناپذیر و جاودانه جلوه می‌دهد؛ قومی که مظهر خردمندی، شجاعت، آزادگی و استواری است (رادفر، ۱۳۸۸: ۴۵).

که برخی کمرنگ ظاهر شدند و برخی برای قرن‌ها رنگ باختند. از مهم‌ترین عواملی که باعث کمرنگ شدن و رنگ باختن بسیاری از مؤلفه‌های هویتی در ایران شده است می‌توان به استبداد پادشاهان، درگیری‌های قومی و مذهبی و وابستگی کشور به اجانب از نظر سیاسی و اقتصادی اشاره کرد. به عنوان مثال ایرانیان که در زمانی (قرون ۲-۸) داعیه‌دار ترویج و پیشرفت علم در جهان بودند تا قبل از برقراری نظام اسلامی هیچ جایگاه هویتی شناخته شده‌ای از نظر علمی در جهان نداشتند. یعنی با بروز انقلاب اسلامی و ظهور نظام اسلامی در ایران، انگاره‌های جدیدی از هویت با گره خوردن حکومت و سیاست با دین^۱، در ایران شکل گرفت و بسیاری از انگاره‌های هویتی سنتی نیز احیا شد.^۲ جالب‌تر این که با ظهور انقلاب اسلامی و تشکیل و تداوم نظام اسلامی، هویت‌های دینی و ملی در ایران چنان با یکدیگر تلفیق شدند که هویت‌های جدید حاصل شده رانمی‌توان مستقل از زیر مجموعه یکی از دو دسته دینی و ملی در نظر گرفت. به عنوان نمونه، انگاره‌ای چون دفاع از میهن که همواره به عنوان یک انگاره کاملاً ملی در کل جهان شناخته شده است، در طول جنگ ایران و عراق در میان ملت ایران با عنوان دفاع مقدس شناخته شد و تلفیق این انگاره با انگاره دینی "جهاد فی سبیل الله"، انگاره‌ای جدید به وجود آورد که با تأکید بر حفظ مرزهای ملی، هدف اصلی آن دفاع از اسلام و حفظ نظام اسلام‌میر ایران بود. هر چند در مواردی دوران‌های قبل از انقلاب، گروه‌های اجتماعی با تکیه بر آموزه‌های دینی و حمیت ملی برای حفظ مرزها و بیرون راندن متجاوزان شرق و غرب، تلاش‌هایی نمودند اما هیچ یک نتوانستند مانند دفاع مقدس به صورت یک هویت اجتماعی فراگیر در میان ملت ایران ظاهر شوند. به عبارتی اکثر هویت‌های ملی در ایران یا با آموزه‌های دینی در هم آمیخته^۳ و یا حداقل رنگ دینی و تقدس^۱ به خود گرفته است.

۱- از نظر هاینس، انقلاب ایران اولین انقلاب مدرن با محتوای کاملاً مذهبی به‌شمار می‌رود. از نظر اشپولر، عقاید شیعه دوازده امامی از آغاز پیدایش اسلام به سرعت با روح ایرانی پیوند زده شد به طوری که حقانیت امامان دوازده‌گانه از مهم‌ترین عقاید و فضایل ایرانی به‌شمار می‌رود. به نظر گراهام فولر نیز تشیع آموزه‌ای است که بخش اعظم روحیه ایرانی و هویت آن را تجسم می‌بخشد، تشیع و آموزه‌های آن یکی از خصوصیات است که به دشواری می‌توان آن را از ادبیات سیاسی اجتماعی و تحلیل سیاست خارجی ایران جدا کرد. (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۸۹: ۸۸)

۲- "دین و مذهب کارکردهای اجتماعی مختلفی از قبیل اجتماعی کردن اعضای جامعه، کاهش کشمکش، تحکیم ارزش‌های مشترک، یکپارچه سازی جامعه، حفظ ثبات اجتماعی و تقویت نظارت اجتماعی را برعهده دارند. (گنجی، ۱۳۸۹: ۱۳۱)

۳- «جنگ، تغییرات اساسی در نظام ارزشی مردم به وجود آورد. در قطعه شهدای بهشت زهرا، عکس‌هایی از جوانانی به چشم می‌خورد که قبلاً بدون ریش با موهای بلند، سینه باز و گردن‌بند و در کنار آن عکس دیگری با

انگاره‌های هویتی در نظام اسلامی

برخی از مهم‌ترین انگاره‌های هویتی که در ایران با تشکیل نظام اسلامی احیا شده‌اند عبارتند از دین‌مداری، خودباوری و خودآگاهی، استقلال طلبی، مقاومت خواهی، شهادت طلبی که بعضی از آن‌ها توضیح داده می‌شود؛

۱. دین‌مداری (مکتبی بودن)

در تعریف این انگاره، شهید باهنر^۲، گفته است: «مکتبی یعنی کسی که اسلام را به عنوان دین زندگی، دین قانون، دین حکومت و دین اداره جامعه، قبول دارد نه فقط به عنوان یک دین تشریفاتی» (باهنر، ۱۳۸۷: ۱۰۷ و ۱۰۸). همانطور که دیده می‌شود این انگاره با اصطلاح دین‌مداری (مذهبی بودن) متفاوت است. زیرا دین ممکن است برای دیندار جنبه محوری نداشته باشد و دیندار حول آن حرکت نکند، بلکه دین برای دیندار به عنوان مجموعه‌ای از عبادات فردی تلقی شود که باید انجام گیرد. این انگاره هویتی چنان پر اهمیت است که ضمن آنکه یکی از انگاره‌های اصلی در شکل‌گیری انقلاب بوده، از نظر رهبر انقلاب، آیت الله خامنه‌ای، متضمن ایجاد انگاره‌های دیگر هویتی نیز است و به عبارت دیگر می‌توان بسیاری از انگاره‌ها را در پرتوی تقویت این انگاره احیا نمود. «در انقلاب اسلامی خطوط اصلی جامعه مطلوب یعنی استقرار شریعت اسلامی که متضمن عدل اجتماعی، استقلال سیاسی و استغنا اقتصادی و رشد علمی و اخلاقی است، در نظر همگان قرار گرفت و شعار "نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی" که به معنای تبدیل واقعی و همه جانبه بنیان‌های زندگی جاهلی به بنیان‌های اسلامی است مطرح گردید» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹: ۲۰).

صورت معصوم و کاملاً تغییر یافته داشتند. این بدان علت بود که انرژی احساسی جوانان که قبلاً به مراکز مختلف جذب احساس تجزیه شده بود، در یک جا در حول محور یک شخص کاریزماتیک و تولید کننده احساس و عاطفه جمع شده بود» (رفیع پور، ۱۳۸۷: ۱۴۱).

۱- این امر را می‌توان در آیین‌های سنتی ملی که بازتاب انگاره‌های هویت ملی نیز هستند مشاهده نمود؛ مثلاً عید نوروز که مهم‌ترین عید ملی در ایران است با دعایی دینی در کل ایران آغاز می‌شود. در سفره عید، قرآن مجید قرار می‌گیرد و ...

۲- حجة الاسلام محمد جواد باهنر، عضو حزب جمهوری اسلامی و نخست وزیر ایران، در انفجار تروریستی منافقین در دفتر ریاست جمهوری به همراه رئیس جمهور ایران محمدعلی رجایی به شهادت رسید.

۲. خود باوری و خود آگاهی

اصولاً خصیصه خودباوری و اعتماد به نفس که اساس استقلال کشور را تشکیل می‌دهد، در حوزه فرهنگ یک جامعه تبلور می‌یابد. انسان تا خود را باور نکند، به استعداد و توانمندی‌های ذاتی خود اطمینان نمی‌کند و به دلیل عدم اعتماد به خود، جرأت و جسارت و دستیابی به کارهای عظیم را ندارد و ادامه زندگی و پیشرفت را تنها با تکیه بر دیگران ممکن می‌سازد. «اگر فرهنگ یک جامعه نتواند هویت از دست رفته و حس اعتماد و خودباوری را در دل و جان مردم خود بدمد، هیچ گاه هیبت و نخوت قدرت‌های بزرگ درهم شکسته نخواهد شد و وابستگی و اسارت، همواره میراث ملی و فرهنگی کشورهای ضعیف را به یغما خواهد برد» (بهداروند، ۱۳۸۶: ۱۱۶).

۳. استقلال طلبی و نفی وابستگی

این انگاره، یکی از مهم‌ترین انگاره‌های هویتی است که در دوران شکل‌گیری نهضت علیه سلطنت پهلوی، همواره مدنظر بوده است به طوری که در شعار ملی "استقلال - آزادی - جمهوری اسلامی" به عنوان هویتی که ملت ایران خواستار آنند، حضور دارد. این انگاره که ابتدا به شکل استقلال سیاسی، در ایران شکل گرفت به تدریج در ابعاد فرهنگی، اقتصادی و صنعتی نیز ظهور یافت. با پیشرفت صنعتی و تکنولوژی غرب و نیاز حکومت‌های مقتدر ایران مانند صفویه به ابزار نوین جنگی، و بعد از آن عقب ماندگی‌های پی‌پی علمی، خودشیفتگی پادشاهان مستبد نسبت به دستاوردهای غربی، غریب‌زدگی و شرق‌زدگی سیاسیون روشنفکران و نفوذ استعمار در صنایع بزرگ کشور، به تدریج ایران را به طور همه جانبه وابسته بیگانه نمود. نفی وابستگی از جمله هویت‌هایی بود که توسط انقلاب و به رهبری امام خمینی احیا شد. در این میان استقلال فرهنگی مهم‌ترین زیر مجموعه انگاره استقلال شمرده شد. امام خمینی نیز با تکیه بر اهمیت این مطلب فرمود: «ساده اندیشی است که گمان شود وابستگی فرهنگی، استقلال را در ابعاد دیگر یا یکی از آن‌ها امکان‌پذیر می‌نماید» (خمینی، ۱۳۷۷، ۱۵: ۱۶۰). «ملت عزیزمان و سایر کشورهای مستضعف جهان اگر بخواهند از دام شیطن قهرآمیز قدرت‌های بزرگ تا آخر نجات پیدا کنند، چاره‌ای جز اصلاح فرهنگ و استقلال آن ندارند.» (خمینی، ۱۳۷۷، ۷: ۷۴) امام خمینی در رابطه با استقلال صنعتی می‌فرماید: «بدانید مادام که در صنایع پیشرفته دست خود را پیش دیگران دراز کنید و به در یوزگی عمر بگذرانید، قدرت ابتکار و پیشرفت در اختراعات در شما شکوفا نخواهد شد» (خمینی، ۱۳۷۷، ۲۱: ۱۹۴).

۴. جهاد و مبارزه با طاغوت و شیطان

این انگاره هویتی یک اصل قرآنی است.^۱ به عنوان نمونه می‌فرماید: بسیاری از مبارزات شکل گرفته در طول تاریخ ایران در برابر مستبدان و متجاوزان بیگانه نیز بر همین اساس شکل گرفته است. بر همین اساس امام خمینی می‌فرماید: «من بار دیگر از مسئولان نظام جمهوری اسلامی می‌خواهم که از هیچ کس و هیچ چیز جز خدای بزرگ نترسند. کمرها را ببندند و دست از مبارزه و جهاد علیه فساد و فحشا و سرمایه‌داری غرب و پوچی و تجاوز کمونیسم نکشند. ماهنوز در قدم‌های اول مبارزه جهانی خود علیه غرب و شرقیم» (خمینی، ۱۳۷۷، ۲۱: ۱۰۸). «قدرت‌ها و ابر قدرت‌ها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی یکه و تنها بماند به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت پرستی است ادامه می‌دهد» (سعادت‌مند، ۱۳۸۹: ۷۸). در سال‌های اخیر نیز که استکبار جهانی به دلیل فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای در ایران و رشد و شکوفایی علمی آن، با ترفندهای مختلف از جمله به شهادت رسانیدن دانشمندان هسته‌ای و تحریم‌های متنوع و به اصطلاح فلج کننده، با ملت ایران روبرو شده است این هویت به صورت مبارزه با استکبار در عرصه علمی، صنعتی و خودکفایی بروز یافته است.

۵. مقاومت خواهی

این انگاره، در دوران جنگ تحمیلی در شرایطی که عراق با حمایت دولت‌های بزرگ به ایران حمله کرده بود و ایران در تحریم اقتصادی قرار داشت، نمود بارزی یافت. در واقع این انگاره و انگاره شهادت طلبی از یک منشأ ریشه می‌گیرند که همان آموزه‌های دینی است که در قیام امام حسین (علیه السلام) متبلور شده است. این انگاره در نهایت منجر به انگاره شهادت طلبی شده است یعنی مقاومت بر اصول حقّه حتی با گذشتن از جان. در این باره امام خمینی (ره) می‌فرماید: «مسلم، خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است، خون شهیدان برای ابد درس مقاومت به جهانیان داده است» (سعادت‌مند، ۱۳۸۹: ۱۵۲ و ۱۵۳).

۱- (فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی لانفصام لها والله سمیعٌ علیم الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور و الذین کفروا اولیائهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات) (بقره: ۲۵۶) (پس هر کس که به طاغوت کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است که گسستن برای آن نیست و خداوند شنوا و داناست.)

۶. شهادت طلبی

مسئله شهادت طلبی در ایران با روح دین در هم آمیخته است به طوری که شهید زنده است و هر قطره خون او به هزاران قطره تبدیل می‌شود و در رگ‌های جامعه سیلان می‌یابد. لذا کارکرد ویژه‌ای یافته است.

"معمولاً در جنگ‌ها وقتی کشته‌ها از جبهه بر می‌گردند خانواده آنان از دولت و نظام حاکم، سخت ناراضی می‌شوند. کشته شدن سربازان آمریکا در جنگ کره و بالاخص ویتنام با همین مسئله مواجه بود که در نتیجه از محبوبیت رئیس جمهور وقت آمریکا ترومن (در پی جنگ کره) و جانسون (در حین جنگ ویتنام) کاست و با افزایش تعداد کشته و طولانی شدن این دو جنگ، نارضایتی‌ها نیز افزایش می‌یافت. لذا این کشورها بیشتر با سلاح‌های دوربرد برای مدت کوتاهی وارد جنگ می‌شوند، مانند جنگ آمریکا در آمریکای جنوبی یا جنگ خلیج فارس. اما در ایران، با اینکه دشمن با ایادی فعال خود در پشت جبهه‌ها (در داخل ایران) کوشش داشت که رابطه احساسی و فکری مردم شهرها به ویژه تهران با جبهه‌ها قطع باشد تا تغییرات مثبت اجتماعی جبهه‌ها به تهران منتقل نگردد. با این وصف هر شهیدی که به تهران وارد می‌شد، تأثیر فزاینده مثبت در جهت اعزام باز هم بیشتر نیرو به جبهه داشت و نه مانع منفی. در اینجا مذهب یکی از کارکردهای مثبت خود را نشان داد. از دست دادن فرزند که می‌تواند برای مردم یک ضایعه منفی تلقی شود، در ایران کم و بیش به یک ارزش و افتخار تبدیل شد" (رفیع پور، ۱۳۸۷: ۱۳۹).

برخی دیگر از انگاره‌های هویتی که در ایران بعد از انقلاب رشد یافته‌اند عبارتند از حمایت از محرومان و مستضعفان، آزادی خواهی، علم گرایی، عزت مندی.

انگاره‌های جدید هویتی در نظام اسلامی

با گذشت قریب به چهار دهه از انقلاب، انگاره‌های هویتی جدیدی نیز در ایران شکل گرفته است^۱ که به برخی از آن‌ها اشاره می‌نمائیم؛

۷. بسیجی بودن

یکی از هویت‌های جدیدی که در طول سی و اندی سال در انقلاب اسلامی شکل گرفت، بسیجی

۱- در مجموع می‌توان در ایران نقش بیانات و عملکرد ولایت فقیه را در طول قریب به ۴ دهه از انقلاب ایران در شکل‌گیری توسعه و پیشرفت هویت‌های اجتماعی نقشی بی‌بدیل دانست.

بودن است. بسیجی بودن هر چند شکل رسمی به خود گرفته است اما شکل‌گیری بسیج به زمان جنگ ایران و عراق برمی‌گردد، زمانی که اقشار مختلف مردم به رهبری امام تقدس و داوطلبانه وارد صحن کارزار شدند. بسیجی در واقع کسی است که حاضر به خدمت و جهاد برای نظام و انقلاب و اسلام در تمامی عرصه‌های فرهنگی اجتماعی علمی و ... می‌باشد، بدون آنکه مزدی دریافت کند. در ایران، بسیجی بودن مترادف با ترکیبی از انگاره‌های هویتی دیگر از جمله مکتبی بودن، شهادت طلبی، ولایت‌مداری است. آیت الله خامنه‌ای در این زمینه می‌فرماید: «بسیج یعنی آن مجموعه‌ای از مردم، اعم از جوانان مشغول به تحصیل یا مشغول به کار موظف اداری یا مشغول به کار کشاورزی و یا کارگری یا مشغول به مشاغل آزاد دیگر - که با ایمان عمیق توأم با عواطف پاک و احساسات صادقانه خود حاضرند همه توانشان را در خدمت به اهداف نظام و انقلاب و منافع ملت به کار برند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۶: ۷). «یک انسان به خاطر بصیرت و روشن بینی خود که با روح گذشت و فداکاری همراه است، آسایش و راحتی خود و کسب امتیازات شخصی را در درجه بعد قرار می‌دهد اما منافع ملت و کشور و سربلندی مردم و پیشرفت انقلاب و آبرومندی نظام را بزرگترین هدف خود می‌کند، این چیز بسیار بزرگ و با اهمیتی است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۶: ۸). می‌توان گفت یکی از نیرومندترین هویت‌های ایجاد شده در طول قرن‌ها مبارزه با جبهه کفر و استکبار جهانی، هویت بسیج است این هویت، توانسته با تشکیل گروه‌های خودجوش مردمی در زیر پرچم بسیج در تمامی عرصه‌ها، از جمله عرصه‌های علمی، صنعتی و سازندگی تا مطالعات اجتماعی و فرهنگی کارهای بزرگی را انجام دهد و بسیاری از جوانانی که به صورت رسمی عضو بسیج نیستند نیز خود را بسیجی می‌دانند بدین معنا که روح بسیجی در آن‌ها وجود دارد.

۸. استکبارستیزی

بعد از انقلاب اسلامی و روشن شدن بیش از پیش ابعاد نفوذ و دخالت کشورهای آمریکا و انگلیس و شوروی در امورات حکومتی تا قبل از انقلاب، و نیز بعد از تلاش این کشورها بالاخص آمریکا برای شکل دادن کودتا در ایران و نیز کمک‌های بی‌دریغ ابرقدرت‌های شرق و غرب به صدام جهت حمله به ایران و تحریم‌های اقتصادی، این هویت به عنوان هویتی جدید در ایران شکل گرفت که هدف آن مبارزه با زورگویان بین‌المللی بود. این هویت، ریشه در هویت دینی، هویت مقاومت‌گرایی و مبارزه با طاغوت و شرک دارد. امام خمینی تقدس می‌فرماید: «روشنفکران اسلامی همگی با علم و آگاهی باید راه پر فراز و نشیب دگرگون کردن جهان سرمایه‌داری و کمونیسم را ببینند و تمام آزادی

خواهان باید با روشن بینی و روشنگری، راه سیلی زدن بر گونه قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها، خصوصاً آمریکا را بر مردم سیلی خورده کشورهای مظلوم اسلامی و جهان سوم ترسیم کنند» (سعادت‌مند، ۱۳۸۹: ۸۸). در واقع این انگاره هویتی به معنای آن است که با توجه به اینکه نظام استکبار، نظام سلطه بر منافع و آرمان‌های ملت‌هاست، نظام اسلامی هیچگاه سر سازش با او نخواهد داشت.

"نکته مهمی که همه باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهانخواران تا کی و کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی مان نمی‌شناسند و به گفته قرآن کریم هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند مگر اینکه شما را از دینتان برگردانند. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست‌ها و آمریکا و شوروی در تعقیب ما خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی ما را لکه‌دار نمایند" (سعادت‌مند، ۱۳۸۹: ۱۴۸ و ۱۴۹).

۹. ولایتمداری

ولایتمداری، در واقع اطاعت از رهبری استیعنی اگر رهبری فقیه، شجاع، عادل و آگاه به امور زمان باشد بر اساس آموزه‌های دینی باید از او پیروی کرد.^۱ برخلاف سایر نظام‌ها، رهبر، خود پیشتاز حرکت‌های جهادگونه است وی مسیر حرکت را مشخص می‌نماید و ملت در اقتدا به وی در مسیر درست گام می‌گذارند و از تفرقه در وحدت کلمه به دور خواهند شد و از تندبادهای حوادث در امان خواهند بود. رهبر انقلاب آیت الله خامنه‌ای درباره رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی رحمته‌الله‌علیه می‌فرماید:

رهبر حکیم و فقیه که عبد صالح و الگوی مسلمانی بود، خود، پیشاهنگ این حرکت در ایمان و عمل شد و این ایمان، جان او را چنان لبریز کرده بود که توانست دل‌های بی‌ایمان و ظرف‌های تهی را از فیضان ایمان خود در صحن^۱ عمل، لبریز و سیراب کند و فروغ ایمان و امید او، دیوارهای قطور یأس و بی‌ایمانی را بشکافد و فضای مبارزه و عمل را پر کند. ﴿أَمِنَ الرَّسُولُ بَمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ﴾^۲ آنکه صدق و صفا و هوشیاری رهبر، هرگونه کجروی و سازش و معامله با دشمن را و خلاصه هر آن چیزی را که موجب انحراف از هدف شود ناممکن ساخت و صراط مستقیم انقلاب به سمت هدف‌ها، استوار و بی‌اعوجاج باقی ماند (خامنه‌ای، ۱۳۶۹: ۲۰).

۱- مراجعه کنید به کتاب‌های ولایت فقیه اثر امام خمینی و کتاب "ولایت فقیه، ولایت فقاقت و عدالت" اثر آیت الله جوادی آملی

بنابراین ولایتمداری از روح ایمان و مکتب اسلام نشأت می‌گیرد. این انگاره به قدری پر اهمیت است که در نزد برخی، این انگاره هویتی، معیاری برای تعیین دینمداری و مکتبی بودن افراد است. همچنین برخی دیگر از انگاره‌های هویتی وجود دارد که در آینده‌ای نزدیک در معادلات اجتماعی حاکم بین ملت نقش مهمی خواهند داشت که عبارتند از بصیرت طلبی، مقاومت در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، عدالت طلبی، علم گرایی، آرمان گرایی، معرفت گرایی و وحدت گرایی اسلامی.

قابلیت میراث فرهنگی در انتقال هویت

همانطور که در بخش پیشین دیده شد، این هویت‌ها از روح دین و ملیت بر آمده‌اند و همین امر می‌تواند ضامن پایداری و بقای آن‌ها باشد، اما باید برای تداوم بخشیدن به آن‌ها و انتقال آن به سایر ملت‌ها، تلاش مضاعفی نمود. بالاخص اینکه در دنیای امروز یعنی در عصر ارتباطات و اطلاعات، با ظهور فرهنگ دیجیتالی و رسوخ پدیده اینترنت در تمام ابعاد زندگی بشر و نیز با گسترش تدریجی ماهواره‌های پخش زنده، نفوذ و قدرت رسانه‌ها چند برابر شده است واز سویی «بر اساس نظریه کاشت، افرادی که در مواجهه با بسیاری از وسایل جمعی قرار دارند، به مرور جهان را به گونه‌ای ادراک می‌کنند که به جای انطباق با واقعیت بیرون، بیشتر با آنچه رسانه‌ها درباره واقعیت بیان می‌کنند همخوان است. رسانه‌های نوین ارتباطی با گذشتن از مرزهای مکان و زمان، عامل سردرگمی، بی‌ثباتی و بی‌نظمی هستند» (ربانی، ۱۳۸۸: ۷۳). نتیجه این بی‌ثباتی و بی‌نظمی، بحران هویت خواهد بود. پس نتیجه می‌گیریم که پیدا کردن راهکارها و ابزارهای مناسب برای حفظ و صیانت از هویت‌های احیا شده در نظام اسلامی برای حفظ، پویایی و تداوم نظام اسلامی، امری ضروری است. از سویی نظام اسلامی باید بتواند از کلیه ابزارهای انتقال پیام برای ارائه انگاره‌ها- هویتی خودو کارکردهای آن برای نسل‌های آینده ایران و سایر جوامع و ملت‌ها استفاده کند. مهم‌ترین عامل جهت نائل شدن به این هدف، استفاده از بستر فرهنگ می‌باشد. «فرهنگ، مجموعه برداشت‌ها، اندیشه‌ها، موضع‌گیری‌های فکری، هنر، ادبیات، فلسفه، آداب و سنن و رسوم در روابط حاکم در جامعه است» (باهر، ۱۳۸۷: ۲۰۸). در نظام اسلامی، فرهنگ اصلی‌ترین عامل سازنده هویت است.^۱ نتیجه زیست در یک فرهنگ، هویت فرد با جامعه است. در این میان یکی از ابزارهای فرهنگی که

۱- «بزرگترین تحولی که باید بشود، در فرهنگ باید بشود برای این که بزرگ‌ترین مؤسسه‌ای است که ملت را یا به تباهی می‌کشد یا به اوج عظمت و قدرت می‌کشد» (خمینی، ۱۳۷۷، ع: ۲۵۲).

برای انتقال پیام مناسب است، میراث فرهنگی است. میراث فرهنگی تشکیل شده از دو کلمه میراث و فرهنگ. میراث یعنی آنچه از پیشینیان به ارث گذاشته می‌شود و با خود بار ارزشمندی را به همراه دارد و می‌تواند مؤلفه‌های هویتی را ارائه کند و در نتیجه دارای کارکردهای فرهنگی است. لذا آثاری را می‌توان در زمره میراث فرهنگی دانست که خصوصیات زیر را دارا باشند؛ ۱- قابلیت انتقال پیام و آموزش^۱ ۲- فرازمانی و فرامکانی بودن^۳ - دربرگیرنده انگاره‌های فرهنگی و هویتی.

از سویی چون میراث فرهنگی زبانی مشترک میان سازندگان و مردم تمامی کشورها دارد لذا می‌تواند نماینده انگاره‌های هویتی ایران برای سایر ملت‌ها نیز باشد. میراث فرهنگی هرچند تمامی جنبه‌های هویتی را بازگو نمی‌نماید ولی می‌تواند بار بخشی از این هدف بزرگ را بر دوش کشد. از نمونه‌های میراث فرهنگی می‌توان به صنایع دستی، معماری، موسیقی و آثار مکتوب اشاره کرد. در ایران نمونه‌های فراوانی از میراث فرهنگی در حوزه‌های مختلف وجود دارد که هر یک بیانگر برخی از ویژگی‌های هویتی ایرانیان است. اما همانطور که گفته شد، میراث فرهنگی به جای مانده، تمامی مؤلفه‌های هویتی ایرانیان را به جهانیان مخابره نمی‌نماید. مثلاً در معماری و صنایع دستی به جز اماکنی تاریخی مانند تخت جمشید که بیانگر روح عزتمندی و بزرگ منشی و بیگانه ستیزی ملت ایران است، بیشتر آثار مبین انگاره هنرمندی، خلاقیت و ابتکار هنری ایرانیان هستند. از سویی میراث فرهنگی موجود، قادر به ارائه مؤلفه‌های فرهنگی مورد نیاز جامعه امروز ایران نیستند. چهار دلیل مهم برای این امر وجود دارد:

۱. نبود و یا بی‌اهمیت بودن برخی از مؤلفه‌های هویتی در دوران گذشته
۲. ناتوانی میراث موجود در ارائه انگاره‌های هویتی
۳. ناتوانی در معرفی جنبه‌های هویتی میراث فرهنگی
۴. سرقت و نابودی میراث گذشته^۲

۱- در بخشی از کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان مصوب یونسکو در سال ۱۹۷۲م. آمده است: ... در مجموع، این ذخائر نمونه، نمایانگر تنوع فوق‌العاده زیاد میراث جهانی هستند و در نتیجه مفاهیم ضمنی آموزشی مهمی در خود دارند (مردمی، ۱۳۸۷: ۱۰۸).

۲- خواب سنگین اولیای دولت مظفرالدین شاه به جایی رسید که عهدنامه قطعی نسبت به امتیاز عتیقه ایران (۱۳۱۸ ه. ق.) با دولت فرانسه بسته شد و عملاً و رسماً سرنوشت آثار باستانی کشور ایران و تملک آن به مدت ۶۰ سال در اختیار دولت فرانسه قرار گرفت (طلوع آشتیانی، ۱۳۸۸: ۱۳۸).

نگرشی نو به میراث فرهنگی

موضوعی که در اینجا مطرح می‌گردد آن است که با توجه به فقدان برخی از انگاره‌های هویتی در میراث فرهنگی و از بین رفتن بسیاری از موارث فرهنگی که از پیشینیان به ارث رسیده است آیا همچنان بایستی به میراث فرهنگی گذشتگان اکتفا کنیم و خود برای آیندگان میراثی به جا نگذاریم.^۱ همچنین اگر تمامی بودجه‌های میراث فرهنگی صرف بازسازی میراثی که گذشتگان برای ما به جا نهاده‌اند شود، آیندگان می‌توانند ما را با زمان خودمان بشناسند یا ما را از منظر هویتی، هم‌مدیف گذشتگانمان قرار خواهند داد؟ و در آخر چگونه انگاره‌های هویتی امروزمان که در نظام اسلامی تبلور یافته است را خواهند شناخت؟

از این سؤالات می‌توان فهمید که قالب‌های فعلی میراث فرهنگی برای انتقال کامل مبانی هویتی کفایت نمی‌کند. همچنین می‌توان نتیجه گرفت که علاوه بر بهره‌گیری از قالب‌های موجود یعنی صنایع دستی، معماری، موسیقی و آثار مکتوب، باید محصولات رسانه^۲ و محصولات علم و فناوری را نیز بدان اضافه کرد.

رسانه‌ها اغلب جایگاه بروز تحول در فرهنگ هستند، چه به معنی هنر و اشکال نمادین و چه در معنای مدها، خلق و خواها، شیوه‌های زندگی و هنجارها. رسانه‌ها پیام‌هایی را پخش می‌کنند که فرهنگ‌های جوامع را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پس رسانه می‌تواند بر موضوع هویت در نسل‌های بشر تأثیر گذارد.^۳

لذا اگر رسانه در راستای تبیین انگاره‌های هویتی به کار گرفته شود، می‌تواند محصولاتی را ارائه نماید که برای سال‌های سال، نماینده هویت جمعی مردم باشد. رسانه می‌تواند با ارائه فیلم‌ها،

۱- ارنست رنان، در تعریف هویت ملی معتقد است که دو مقوله آن را می‌سازد، یکی از تاریخ می‌آید و آن داشتن میراثی غنی است و دیگری به امروز وابسته است و آن وجود آگاهی و اجماع مبنی بر اینکه افراد جامعه مصمم هستند به زندگی خود به عنوان کلیت واحد ادامه دهند و ارزش‌های به ارث برده را تداوم بخشند (امینیان، ۱۳۸۶: ۷۲).

۲- همچنین رسانه را می‌توان فقط به عنوان محملی برای معرفی میراث فرهنگی و نمادهای فرهنگی و هویتی در نظر گرفت ولی مشخص شده است که رسانه به خودی خود نیز می‌تواند محصولات فرهنگی ارائه دهد.

۳- برای نمونه نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد جامعه دانشجویی ایران به عنوان یکی از پرجمعیت‌ترین گروه‌های مرجع کشور، از فناوری اطلاعات و ارتباطات تأثیر پذیرفته است. این اثر پذیری زمینه‌ساز تقویت هویت فروملی (محلی، قومی و ...) است ولی هویت ملی آنان را به نوعی تضعیف کرده است (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۹).

مستندها و برنامه‌های مناسب، همزمان چندین مفهوم هویتی را به بیننده انتقال دهد که در اعماق ذهن او جای گیرد. نمونه‌های جالب توجهی که در سال‌های گذشته در رسانه ملی ایران نمایش داده شد، گویای این حقیقت است. مثلاً در مقوله شهادت طلبی و مقاومت و دلاوری می‌توان به مستند "روایت فتح" اثر شهید "سید مرتضی‌آوینی"^۱ اشاره نمود. این مستند صحنه‌های جنگ را از زاویه قدسی آن نگاه می‌کند به طوری که بیننده، روحیه شجاعت، حماسه، غیرت، عشق به دین و میهن و از همه مهم‌تر شهادت طلبی را مشاهده می‌کند.

یکی دیگر از ویژگی‌های جهان امروز، رقابت‌های علمی و فناوری است. در بسیاری از کشورها، ارائه توانمندی‌های علمی و حتی تاریخچه آن، در قالب موزه‌های تجهیزات و ادوات، انگاره‌های هویتی چون "علم گرایی" و "خودباوری" را به نمایش می‌گذارد. موزه فضایی در کشورهای روسیه، آمریکا و ...، موزه جنگ جهانی دوم در بسیاری از کشورها، موزه صنعت چاپ و موزه صنعت مخابرات در اروپا و ... هر چند در قالب تعریف‌های امروزی جزء میراث فرهنگی گنجانده نشده‌اند، ولی بدون شک در سال‌های آینده، کارکردهای خود را به عنوان میراثی فرهنگی به نمایش خواهند گذاشت.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه در رابطه با شکل‌گیری هویت در ایران بعد از انقلاب و اهمیت ارائه آن به نسل‌های آینده گفته شد می‌توان فهمید:

۱. هویت در نظام اسلامی ترکیبی از هویت‌های ملی و هویت‌های دینی است لذا هرگونه تلاش برای کمرنگ کردن هویت‌های دینی می‌تواند بر کارکردهای انگاره‌های هویتی تاثیر منفی گذارد^۲ و انتقال اصول نظام اسلامی به دیگر ملت‌ها و نسل‌های آینده، با خطر جدی مواجه شود و این مسئله باید در بازسازی و ساخت آثار فرهنگی مدنظر قرار گیرد.
۲. برای بازسازی میراث فرهنگی، باید اولویت‌هایی مدنظر قرار گیرد و آثاری که انگاره‌های هویتی بیشتر و متناسب با نیاز جامعه را ارائه می‌کنند، مورد توجه ویژه قرار گیرند.
۳. برای معرفی و انتقال حداکثری انگاره‌های هویتی به نسل‌های آینده و ملت‌های دیگر باید به

۱- به دلیل اهمیت و تأثیر گذاری آثارش، رهبر انقلاب آیت الله خامنه‌ای وی را "سید شهیدان اهل قلم" نامید.
۲- ماکس وبر درباره اهمیت نقش باورهای مذهبی در هویت ملت‌ها بیان می‌کند که انسان جدید حتی با بیشترین حُسن نیت نمی‌تواند اهمیت و تأثیر باورهای دینی را در فرهنگ خصلت و هویت ملی باز شناسد (وبر، ۱۳۷۰: ۱۵۷).

ساخت آثاری که نماینده انگاره‌های هویتی امروز ملت ایران می‌باشند، پرداخت. این آثار باید تمامی خصوصیات میراث فرهنگی یعنی توانایی انتقال پیام، دربرداشتن انگاره‌های هویتی و ماندگاری را داشته باشند تا مورد استفاده آیندگان نیز باشد.

۴. ساخت بناهایی که نماینده بخشی از نظام اسلامی هستند باید بر اساس انگاره‌های هویتی نظام باشد.

۵. برخی از آثار به جا مانده از اوایل انقلاب و دوران دفاع مقدس، را می‌توان در زمره میراث فرهنگی به حساب آورد زیرا کارکردهای فرهنگی و هویتی مهمی را می‌تواند ایفا کنند و باید در جهت حفظ آن‌ها برای آیندگان تلاش کرد. از جمله مسجد جامع خرمشهر (نماد مقاومت و ایستادگی)، منزل امام (نماد ساده زیستی)، مناطق عملیاتی (نماد شهادت طلبی و ایستادگی) و ...

۶. ساخت محصولات رسانه‌ای منطبق بر انگاره‌های هویتی. مانند "علم خواهی"، "بسیجی بودن"، "عزت طلبی"، "آرمان گرایی"، "ولایت مداری"، "مبارزه با استکبار"، "مبارزه با استعمار و استبداد" با قابلیت ماندگاری که بتوان آن را در زمره میراث فرهنگی برای نسل‌های آینده و جوامع دیگر در نظر گرفت. این محصولات می‌تواند در شکل‌های متنوعی اعم از فیلم، مستند، انیمیشن و حتی بازی ارائه گردند.

۷. ساخت تندیس‌هایی از دانشمندان کشور همچون ابن سینا، رازی، غیاث الدین جمشید کاشانی، خواجه نصیرالدین طوسی و ... (البته با توجه به در نظر گرفتن ماندگاری اثر) یا ساخت یادمان شهدای علمی کشور چون شهیدان علیمحمدی، شهریاری، رضائی نژاد و احمدی روشن و یا نوابغ معاصر چون دکتر حسابی و ... در جای جای کشور می‌تواند نشان از پایداری و روح مقاومت علمی و علم طلبی باشد، اما مهمتر از آن، اصل ابتکارات، نوآوری‌ها و اختراعات علمی اثر گذار در زمینه‌های مختلف است که بار هویتی شگرفی را می‌تواند در زمینه‌های "خودباوری"، "علم گرایی" و "استقلال علمی و فناوری" به نمایش گذارد. ساخت موزه‌ها و آثاری نمادین می‌تواند برای قرن‌ها بیانگر موفقیت‌های علمی ایران در حوزه‌های هسته‌ای، نانو فناوری، بیوتکنولوژی، داروسازی و ... و نیز نشان دهنده روح مقاومت و آرمان گرایی در کسب قله‌های علمی باشد.

۸. ساخت آثاری نمادین برای ارائه ماندگار انگاره‌های هویتی جدید مانند بصیرت طلبی، معرفت گرایی، آرمان گرایی و ... باید در دستور کار هنرمندان، نویسندگان و اهالی رسانه قرار گیرد.

منابع و مأخذ

- ۱- اشرف، احمد، ۱۳۷۲، «**هویت‌ی‌رانی**»، مجله گفتگو، شماره ۳: صص ۷-۲۱
- ۲- امام جمعه زاده، سید جواد، ۱۳۹۰، «**رسانه و برسازي هويت اجتماعي**»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال هجدهم، شماره ۳، صص ۱۱۹-۱۴۶
- ۳- امینیان، بهادر، ۱۳۸۶، «**تأثیر هويت ملي بر پیوند نسلي**»، فصلنامه جوانان و مناسبات ملی، شماره اول، بهار و تابستان: صص ۶۹-۸۴
- ۴- باهنر، محمد جواد، ۱۳۸۷، **مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی**، تهران، نشر شاهد
- ۵- بهداروند، محمد جواد، ۱۳۸۶، **انقلابی متمایز - انقلاب ساختار ساز**، قم، مؤسسه بوستان کتاب
- ۶- جنکینز، ریچارد، ۱۳۸۱، **هویت اجتماعی**، ترجمه: تورج یاراحمدی، تهران، نشر شیرازه
- ۷- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، **ولایت فقهت و عدالت**، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ هشتم
- ۸- جهانگیری، جهانگیر، ۱۳۸۹، «**بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و هويت ملي (نمونه مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شیراز)**»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، پاییز و زمستان: صص ۳۷-۷۴
- ۹- حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۸۵، «**تأثیر جهانی شدن بر هويت ملي (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران)**»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره سوم و چهارم: صص ۱-۲۱
- ۱۰- حسینی انجدانی، مریم، ۱۳۸۸، «**نقش رسانه‌ها در رشد هويت ملي نوجوانان شهر تهران**»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال شانزدهم، شماره ۲: صص ۳۹-۶۴
- ۱۱- خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۸۶، **بسیج راز عشق و ایمان**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم
- ۱۲- خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۶۹، **راه امام راه ما**، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- ۱۳- خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۷، **صحیفه نور**، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
- ۱۴- خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۷، **ولایت فقیه**، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهاردهم
- ۱۵- ربانی، علی، ۱۳۸۸، «**رسانه‌های جمعی و هويت ملي (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه اصفهان)**»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال شانزدهم، شماره ۲: صص ۹۳-۶۵

- ۱۶- رادفر، ابوالقاسم، ۱۳۸۸، «بازتاب هویت ایرانی در آثار هنری و موارث فرهنگی»، پژوهشنامه زبان و ادب فارسی، شماره ۱، بهار: صص ۳۷-۵۸
- ۱۷- رسولی ثانی آبادی، الهام، ۱۳۸۹، «مبانی بین اذهنی هویت نظام جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره اول، بهار: صص ۸۵-۱۱۴
- ۱۸- رفیع پور، فرامرز، ۱۳۸۷، توسعه و تضاد، تهران، شرکت سهامی انتشار
- ۱۹- ستاری، جلال، ۱۳۸۳، هویت ملی و هویت فرهنگی، تهران، نشر مرکز، چاپ دوم
- ۲۰- سعادت‌مند، رسول، ۱۳۸۹، پنج پیام تاریخی امام خمینی، قم، انتشارات تسنیم
- ۲۱- سلمانپور، محمد جواد، ۱۳۸۶، اصالت ایرانی از دید معصومین علیه و دیگر محققان و ضرورت آموزش حفظ این میراث فرهنگی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۲۲: صص ۱۴۱-۱۷۳
- ۲۲- صباغ پور، علی اصغر، ۱۳۸۶، «هویت فرهنگی جامعه ایران: چگونگی و چرایی»، فصلنامه راهبرد مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۴۷ و پنجم: صص ۹۱-۱۰۵
- ۲۳- طلوع آشتیانی، شاهین، ۱۳۸۸، آسیب شناسی و ارائه آموزش درس طرح مرمت و احیای بناهای تاریخی-فرهنگی در دوره کارشناسی، فصلنامه آموزش مهندسی ایران، سال یازدهم، شماره ۴۴: صص ۱۳۱-۱۵۱
- ۲۴- کیانی، داوود، ۱۳۸۶، منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۲۵- گنجی، محمد، ۱۳۸۹، «رابطه هویت دینی و سرمایه اجتماعی در بین مردم کاشان»، جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و یکم، شماره ۴: صص ۱۲۳-۱۴۴
- ۲۶- لقمان نیا، مهدی، ۱۳۹۰، «شناسایی مؤلفه‌های هویت ملی در برنامه‌های درسی بر اساس نظریه داده بنیاد»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی. شماره ۴۰، سال دهم: صص ۳۳-۵۶
- ۲۷- مردمی، کریم، ۱۳۸۷، «الزامات ارزش‌گذاری به میراث فرهنگی در آموزش معماری»، نشریه بین‌المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت، ویژه نامه مهندسی معماری و شهرسازی، ج ۱۹، شماره ۶: صص ۱۰۵-۱۱۰
- ۲۸- وبر، ماکس، ۱۳۸۰، اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری، مترجم: عبدالمعبود انصاری، تهران،

انتشارات سمت

- 29- Abela, M. A., 2005, "*Shaping a National Identity: Malta in the European Union*", *International Journal of Sociology*, Vol. 35, No. 4, pp.10-27.
- 30- Turner, H, 1998, *The Structure of Sociological Theory* (6th edition), London: Wadsworth.

